

دریاچه

روزنامه‌نگاران ترکیه تحت فشار

■ دولت ترکیه به دلیل تعقیب و دستگیری روزنامه‌نگاران تحت فشار است. اخیراً بیش از ۱۰ روزنامه‌نگار به اتهام همکاری با یک گروه تروریستی دستگیر شدند. کانون روزنامه‌نگاران می‌گوید که آنها به دلیل انتقاد از دولت دستگیر شده‌اند. روزنامه پرتیراز «جمهوریت» چاپ ترکیه، آنچه را که بسیاری از روزنامه‌نگاران فکر می‌کنند، به‌ عنوان یکی از تیتَرهای اصلی خود برگزیده است. این روزنامه در شماره ۷ مارس می‌نویسد، دیگر نه فقط روزنامه‌نگاران بلکه «روزنامه‌نگاری» در ترکیه حبس شده است. کانون روزنامه‌نگاران ترکیه هم نظری مشابه دارد. آلپر تورگوت، یکی از سخنگویان این کانون می‌گوید: «اگر ما امروز سکوت کنیم و اقدامی انجام ندهیم این روال ادامه خواهد یافت.» منظور تورگوت، دستگیری روزنامه‌نگاران به اتهام عضویت در «سازمان تروریستی ارگنکون»(Ergenekon) است.

دستگیری‌ها و اعتراض‌ها

تنها در روز سوم مارس ۱۰ روزنامه‌نگار به اتهام همکاری با این سازمان دستگیر شدند. این سازمان ناسیونالیست متهم است که با انجام عملیات تروریستی تلاش می‌کند، ناامنی و آشوب به وجود بیاورد و در نهایت دولت اردوغان را سرنگون کند. در این رابطه تاکنون نظامیان و کارمندان بلندپایه دستگیر یا بازجویی می‌شدند. اینکه اخیراً روزنامه‌نگاران هم با این اتهام راهی زندان می‌شوند، موحی از اعتراضات داخلی و خارجی را برانگیخته است. در روزهای گذشته، روزنامه‌نگاران و مدافعان حقوق بشر در آنکارا و استانبول در اعتراض به دستگیری روزنامه‌نگاران تظاهرات کردند. اشتفان فوله، مسوول گسترش اتحادیه اروپا، ضمن محکوم کردن عملیات پلیس علیه روزنامه‌نگاران، تأکید کرد که آزادی بیان و آزادی عمل برای رسانه‌ها از اصول بنیادین دموکراسی هستند که باید در همه کشورهای دموکراتیک رعایت شوند. فرانسیس ریکاردونه، سفیر ایالات متحده در ترکیه نیز از دستگیری روزنامه‌نگاران انتقاد کرد. در حالی که مقامات قضایی پیوسته تأکید می‌کنند که دستگیری روزنامه‌نگاران به دلیل فعالیت سیاسی آنان است، فعالان رسانه‌ای معتقدند که همکاری‌اشان به دلیل فعالیت حرفه‌ای روانه زندان شده‌اند. سایت خبری «تاگس‌شاو» می‌نویسد که بیشتر دستگیرشدگان در گذشته ثابت کرده‌اند که وابستگی سیاسی ندارند و هم دولت و هم یوزپسینون را به یک اندازه از زیر دربین انتقادی خود قرار می‌دهند. اگرودنار، یکی از مجریان سرشناس برنامه‌های تلویزیونی ترکیه از وزیر کشور خواست، به یاری دستگیرشدگان بشتابد و نگذار «آنها» که گمانی جز بیان واقعیت‌ها ندارند، به لجن کشیده شوند». هفته گذشته رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه تأکید کرد که دولت در دستگیری روزنامه‌نگاران

روزنامه‌نگاران ترکیه در تظاهراتی در استانبول

نقشی نداشته است. او در عین حال ابراز امیدواری کرد که هر چه زودتر این پرونده بسته شود. کارشناسان معتقدند که چنین نخواهد شد، زیرا در چهار سال گذشته بیش از ۳۰۰ نفر به اتهام همکاری با «سازمان ارگنکون «دستگیر شده‌اند، اما سادگاه تاکنون برای هیچ کدام از آنها حکمی صادر نکرده است.

منبع: دویچه‌وله

خبر

توقیف اموال مبارک قطعی شد

■ مقامات قضایی در مصر می‌گویند دادگاه تصمیم مسدود شدن دارایی‌های حسنی مبارک، رئیس‌جمهور برکنارشده و خانواده او را ابرام کرده است. دادگاه درخواست تجدیدنظر در تصمیم دادستان ارشد مصر را برای ممنوع ساختن خروج مبارک و خانواده‌اش از کشور و تصرف پول‌ها و مستغلات آنان رد کرد. خانواده مبارک با اتهامات فساد که دولت جدید تحقیق می‌کند روبه‌رو است. هفته پیش، دفتر عادل عبدالمجید محمود، داندستان مصر بدون اشاره به جزئیات تحقیقات گفت: ممنوعیت مسافرت، حسنی مبارک، سوزان، همسر او، و دو پسر و همسران شان را شامل می‌شود. این اقدام یک روز پس از آن صورت می‌گیرد که مقامات نظامی جلوگیری همسر مبارک و پسر کوچک او، جمال‌را از شرم‌الشیخ گرفتند. ظاهر همسر و پسر مبارک سعی داشتند کشور را ترک کنند. گزارش‌های رسانه‌ها حاکی است که دارایی‌های خانواده مبارک ممکن است سر به میلیارد‌ها دلار برزد.

توضیح

■ روز سه‌شنبه ۱۷ اسفند در صفحه ۷ روزنامه شرق گزارشی باتیتر «عبور یا تداوم بحران» منتشر شد. در این گزارش سخنان آقای اصغر جمعدی در نشست «بررسی تحولات مصر پس از مبارک» که در محل دفتر موسسه بین‌المللی مطالعات صلح برگزار شد پس از تنظیم در قالب گفت‌وگو منتشر شده بود که بدین وسیله تصحیح می‌شود.

دریاچه



آمریکا در مبارزه با القاعده و طالبان ناکام مانده است

افغانستان در مسیر تجزیه

در افغانستان علیه طالبان خبر داده و احتمال تجزیه

این کشور را مورد بررسی قرار داده است. چنانچه در این نشریه آمده آمریکا و متحدان این دولت در موقعیتی نیستند که بتوانند طالبان را از نظر نظامی شکست دهند. این امر گویای این واقعیت است که حمله نظامی ایالات متحده آمریکا در هفت اکتبر ۲۰۰۱ به افغانستان و تحت عنوان جنگ علیه تروریسم بین‌المللی القاعده، هر چند فقط یک ماه به طول انجامید و قدرت نظامی آمریکا (نیروهای ائتلاف) را به نمایش گذاشت که رقیبی در جهان حتی در بین نیروهای ائتلاف ندارد، ولی در جنگ ۱۰ساله با نیروهای شبه‌نظامی القاعده و طالبان در این کشور ناکام مانده است. هر چند موقعیت جغرافیای سیاسی داخل افغانستان شرایط ویژه‌ای را برای مبارزات چریکی در زمان اشغال این کشور توسط شوروی و اکنون نیز همان شرایط ویژه را برای شبه‌نظامیان القاعده و طالبان در مقابله با آمریکا و نیروهای ائتلاف به وجود آورده است اما نشریه فارین افرز در مقاله‌ای اینگونه بررسی می‌کند برای خروج از باتلاق افغانستان به آمریکا باید تجربه غیررسمی این کشور را مدنظر قرار دهد، از این طریق واشنگتن می‌تواند در شمال افغانستان دولت‌سازی کند و در جنوب به مبارزه با تروریسم بپردازد.

در حالی که حماد کرزای، رئیس‌جمهور افغانستان اعلام می‌کند که برای روابط استراتژیک با آمریکا اولین پیش‌شرط ایجاد امنیت در کشور جنگ‌زده‌ای است که گرفتار فعالیت‌های شبه‌نظامیان شده است و پس از ۱۰سال هنوز امنیت ثابتی ندارد، پیش‌تر نشریه فارین افرز در مقاله‌ای از لزوم تجدیدنظر در استراتژی نظامی آمریکا و متحدینش در افغانستان می‌پردازد که می‌تواند مقدمه تجزیه به افغانستان به شمال و جنوب، با تبعات و پیامدهای امنیتی دیرپای آن باشد. جدا کردن گروه القاعده از طالبان، یکی از هدف‌های عمده طرح جدید است هر چند گروه موزر را تضعیف می‌کند اما باعث نمی‌شود این گروه دست از تندروی بردارد و حتی ، شاید به تندرو تر شدن آنان نیز بینجامد. همچنین جدا کردن تاجیک‌های شمال افغانستان از پشتون‌های جنوب این کشور می‌تواند هم برای پاکستان و هم برای دیگر همسایگان افغانستان آثار سوء امنیتی به بار آورد.

تجزیه قومی – مذهبی

پیرمحمد ملازی، کارشناس مسایل شبهه‌قاره و افغانستان نیز در همایش «امنیت، صلح و ثبات در افغانستان» که روز سه‌شنبه در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت برگزار شد، در خصوص مسایل داخلی افغانستان و احتمال تجزیه آن می‌گوید: «تجزیه نظامی و سیاسی در افغانستان رخ داده است و الان دارد به سمت تجزیه قومی حرکت می‌کند. ضمن اینکه همچنان مسایل قومی در افغانستان دارد حرف نخست را می‌زند».

وی در ادامه می‌افزاید: «تجزیه مذهبی در افغانستان نیز اکنون به وجود آمده است. چنانچه تا چندی پیش نوعی همکاری بین شیعیان و اهل سنت وجود داشت که با یکدیگر بر سر مسایل مختلف مدارا می‌کردند اما الان مشکل پیدا کرده‌اند».

ملازهی در ادامه اشاره می‌کند: «حتی بسیاری از فرماندهان محلی در مناطق مختلف قدرت را تجزیه کرده‌اند. در واقع فرماندهان نیروهای مسلح دارند حقوق ماهانه‌شان را زودتر از نیروهای ارتش و پلیس می‌گیرند و در همین جاست که جابه‌جایی قاچاقی مواد مخدر نیز مطرح می‌شود و به این موضوع ربط پیدا می‌کند.

فرماندهان محلی در مناطق مختلف قدرت را تجزیه کرده‌اند. در واقع فرماندهان نیروهای مسلح دارند حقوق ماهانه‌شان را زودتر از نیروهای ارتش و پلیس می‌گیرند و در همین جاست که جابه‌جایی قاچاقی مواد مخدر نیز مطرح می‌شود و به این موضوع ربط پیدا می‌کند. نمونه واضح آن نیز برادر حامد کرزای است که حتی رئیس‌جمهور افغانستان نیز نمی‌تواند جلوی او را بگیرد و در واقع مشکل افغانستان تنها از طریق طالبان قابل حل نیست و به مساله مواد مخدر و قاچاق آن که در آمد هنگفتی هم دارد باید توجه کرد که افراد و گروه‌های زیادی را درگیر کرده است.»

وی در ادامه می‌افزاید: «به نظر نمی‌آید حاکمیت یک‌دستی در مقابل هر تصمیم دولت برای مقابله با مخاطبان وجود داشته باشد. دولت می‌گوید باید با طالبان مذاکره کرد ولی این مصالحه تا چه حد و چگونه باید باشد، مشخص نیست. تنها گفته می‌شود که طالبان باید بایاند در قدرت و اکنون نیز انگلیسی‌ها در استراتژی سازش با طالبان پیشقدم هستند. در عین حال مواضع دولت مرکزی افغانستان ضعیف‌تر از مواضع طالبان به نظر می‌آید.»

شبه‌نظامیان طالبان هر چند دولت افغانستان و سیاست‌های سیاسی – نظامی آمریکا و نیروهای ائتلاف را با چالش روبه‌رو کرده‌اند، اما منافع پاکستان را در این کشور تامین کرده‌اند. گروه طالبان که نوعی تجزیه می‌شود از درون سازمان اطلاعات پاکستان به نفعی می‌شود، این کشور را به عنوان یک بازیگر جدی در بحران افغانستان تبدیل کرده است و آمریکایی‌ها نیز بر این امر واقف هستند. چنانچه پیرمحمد ملازهی، در این زمینه نیز می‌گوید: «اگر پاکستانی‌ها احساس نکنند که در مذاکره افغانستان و آمریکا و نیروهای ائتلاف با طالبان به بخشی از منافعشان دست پیدا نخواهند کرد، طالبان را در نهایت به وادار می‌کنند. غریبه‌ها هم این مساله را به خوبی می‌دانند. منتها حامد کرزای، رئیس‌جمهور افغانستان خیلی تلاش کرد تا پاکستانی‌ها را مقابل آمریکا قرار دهد. آمریکا هم می‌داند که سازمان القاعده، سازمان‌بندی‌اش را در درون قبایل افغانستان دارد. تا زمانی که هم که این ارتباط القاعده با قبایل افغانستان قطع نشود، آمریکایی‌ها دخالت مستقیم نظامی نمی‌کنند. چون این همان دامی است که القاعده برای آمریکا ساخته است و از این طریق می‌خواهند با آمریکا تسویه حساب کنند و بر اساس اعتقاداتشان، خلافت اسلامی را در این کشور به وجود آورند. به نظر من آمریکایی‌ها با همراهی انگلیسی‌ها روی این موضوع فکر کرده‌اند و همین‌طوری دست به کار نمی‌زنند.»

این کارشناس مسایل افغانستان در ادامه بیان می‌کند: «به نظر می‌رسد فعالان تفکر وجود دارد که طالبان را در منطقه نفوذی خودشان محدود کنند. منتها این شکل وجود دارد که القاعده هم آنجا خواهد بود یا نه.

تجربه نشان داده که هنوز القاعده علاقه‌ای برای جدایی از طالبان ندارد. طالبان و القاعده پیوندهای محکمی دارند و با گروهایی به یکدیگر وصل شده‌اند. به سادگی نمی‌شود آنها را یکدیگر جدا کرد.»

وی در ادامه می‌افزاید: «طالبان در افغانستان یک گروه شبه‌نظامی است. در حالی که القاعده یک سازمان



دریاچه

چین؛ رشد سرمایه‌داری زیر پوشش اقتصاد دولتی

■ بارهبری بخش دولتی اقتصاد، که گرچه کاهش یافته ولی هنوز هم بخش مسلط و پر قدرت اقتصاد است، یک مالکیت سرمایه‌داری در چین ایجاد شد که امروز بخش اعظم کارگران شهری از جمله کارگران سیار (کارگران ساختمانی) در آن فعال هستند. حاصل آن پیدایش یک طبقه و یک ساختار اجتماعی است که معادل بورژوازی ملی است.

قدرت اقتصادی و به تبع آن قدرت سیاسی و

نظامی کاملاً در دست حزب کمونیست چین

متمرکز است. به این صورت امروز – برخلاف

سی سال اول – نوعی سرمایه داری دولتی در

چین به‌وجود آمده که ویژگی آن تضاد میان

زیربنای اقتصادی و روبنای سیاسی آن است.

حزب کمونیست می‌کوشد تا در محدوده کامل

سرمایه‌داری دولتی به پیشرفت‌های مادی در

سرمایه‌داری دست یابد. این روند به‌طور عینی،

مقدمات ساختن سوسیالیسم را تدارک می‌یابد.

وظیفه سرمایه‌داری دولتی در چین امروز – در

کنار حفظ تضمین اقتصادی استقلال ملی و

تمامیت ارضی – تدارک این مقدمات است.

این استراتژی بزرگ‌ترین موفقیت را

در برداشت ولسی مخاطراتی نیز در بر دارد.

نمی‌توان نادیده گرفت که اینک پاره‌ای از این

طبقه که فرا آورده این زیربنای سرمایه‌داری و

ساختار اقتصادی آن است، در روبنای معنوی

آن حامل مواضع جدی غیر سوسیالیستی یا

ضد سوسیالیستی است. این امر سبب پیدایش

خطر بالقوه تلاش حزب و دستگاه دولتی می‌شود.

باید صبر کرد و دید که اقدامات رهبری حزب

که از چندسال پیش علیه مبارزه با رشوه‌خواری

و برای حکومت «خالی از فساد» گسترش یافته

و همچنین گام‌هایی که برای تحکیم و توسعه

مواضع تئوریک و ایده تئولوژیک مارکسیستی

در حزب و جامعه برداشته شده تا چه حد به

توسعه تلاش‌های مرفقی برای تثبیت اساسی

کشور کمک خواهد کرد. با وجود تغییراتی که

از آغاز سال‌های ۹۰ در مناسبات اجتماعی پیش

آمده، حزب هنوز هم بر تشخیص پیشین خود

پای فشار است که هم‌اکنون چین یک جامعه

سوسیالیستی است. بنا به گفته حزب، امروز در

چین «سوسیالیسمی با ویژگی چینی» ساخته

می‌شود. دلیل اقتدار گرای نسبی قدرت سیاسی

و خصلت شدید بوروکراتیک آن را باید ناشی از

شرایط ویژه چین دانست. تجارب سیاسی چین

هم نشان می‌دهد که هدف سیاست امپریالیستی



موسوم به «سیاست مراوده» که شکل دیگری از «سیاست ایجاد تغییر از طریق نزدیکی» است، ماهی گرفتن از آب گل الود است.

روی آوردن حزب کمونیست چین به استفاده از سرمایه و شیوه تولید سرمایه‌داری ناشی از شرایط عینی بود. شیوه تولیدی به نام شیوه تولید سوسیالیستی که اثر بخشی آن بیشتر از شیوه تولید سرمایه‌داری باشد وجود نداشت و در چین شرایطی برای ایجاد چنین کیفیت برتری، نه وجود داشت و نه دار.

استفاده همه جانبه از امتیازات شیوه تولید سرمایه‌داری مستلزم ادغام چین در نظام جهانی اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داری با تمام عواقب ناشی از آن است. با عضویت در WTO سازمان بازرگانی جهانی این گام برداشته شد. چین بازیگر این نظام شد. نیرویی مخالف که قصد داشت یک نظام ضد سرمایه‌داری به وجود آورد، تبدیل شد به بازیگر مشروط همین نظام که می‌کوشد تا آنچه که موجود است، به تدریج از درون اصلاح کند، یعنی جاهایی که عاقلانه و عادلانه نیستند اصلاح کند و تغییر دهد تا باز تاباننده علایق مشترک اکثر دولت‌ها و مردم باشد. نتایج این سیاست را هم اکنون می‌توان در مناسبات اقتصادی و بازرگانی با دیگر کشورهای رشد یابنده باز شناخت.

چین امروز به مراتب از چین در آغاز دوران گذار به اقتصاد بازاری پیشرفته‌تر است. و البته با مسایل بزرگ‌تری هم روبرو روست. گذار به یک نظام تولیدی که سرمایه‌ای عظیم و فن‌آوری عمیق همراه با دور نگاه داشتن محیط زیست از آلودگی، می‌طلبد، وظیفه‌ای است بسیار دشوار. برای آنکه شکاف اجتماعی ثبات اجتماعی را به خطر نیندازد باید در کوتاهمدت از شدت آن کاسته شود. بالاخره اینکه حزب کمونیست چین کماکان با این مساله روبه‌رو است که مناسبات قدرت میان دولت را که تا امروز قدرتی بسیار دارد با بورژوازی در حال رشد، به گونه‌ای مناسب تنظیم کند.

منبع: یونگه ولت